

بررسی دنیا از دیدگاه قرآن و انجیل و استلزامات تربیتی مربوط به آن

کیمیده فرح بخش / کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه شهید باهنر کرمان

Hamidehfarahbakhsh@gmail.com

سیدحمیدرضا علوی / استاد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید باهنر کرمان Hamidreza-alavi@yahoo.com.hk

پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

دریافت: ۹۴/۴/۱۹

چکیده

دنیا یکی از مهم‌ترین بسترهای تربیت انسان می‌باشد و شناخت ماهیت آن، در زندگی انسان بسیار حایز اهمیت است. برای رسیدن به شناخت صحیح در مورد دنیا، کتب آسمانی حایز اهمیت هستند. این تحقیق به بررسی ویژگی‌های مشترک دنیا از دیدگاه قرآن و انجیل می‌پردازد. بدین منظور، قرآن و انجیل در زمینه ویژگی‌های دنیا مورد مقایسه قرار گرفته‌اند و ویژگی‌های مشترک دنیا استخراج شده و سپس این ویژگی‌ها با توجه تفاسیر قرآن و انجیل و آراء دانشمندان مسلمان و مسیحی، مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته‌اند. استلزامات تربیتی مربوط به هر ویژگی به روش استنتاجی استخراج شده است. با توجه به نتایج تحقیق، ویژگی‌های مشترک دنیا در قرآن و انجیل را می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. دنیا فریبنده است؛ ۲. دنیا ناپایدار است؛ ۳. دنیا مزرعه آخرت است. همچنین استلزامات تربیتی استنتاج شده از این ویژگی‌ها به ترتیب عبارتند از: شناخت حقیقت زیبایی‌های دنیا و خویشتن‌داری در مقابل آنها؛ عدم وابستگی به دنیا و پرهیز از هدف قرار دادن دنیا؛ ۳. غنیمت شمردن زندگی دنیا و استفاده از آن برای فراهم کردن توشه آخرت.

کلیدواژه‌ها: دنیا، قرآن، انجیل، تربیت، اسلام و مسیحیت.

مقدمه

دیدگاه مسیحیت و اسلام)، به بررسی به‌مرگی یا مر از روی ترحم که از مسائل بنیادین اخلاقی - زیستی است، از دیدگاه این دو دین پرداخته است.

سلیمانی اردستانی (۱۳۸۹)، در کتابی با عنوان *سرشت انسان در اسلام و مسیحیت (با تکیه به قرآن و عهدین)*، دیدگاه اسلام و مسیحیت را درباره سرشت انسان مقایسه کرده است.

زارعی محمودآبادی (۱۳۸۰)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان *رابطه ایمان و محبت در اسلام و مسیحیت*، به بررسی دیدگاه اسلام و مسیحیت در مورد منشأ و خاستگاه محبت پرداخته است. البته بیشتر این پژوهش‌ها به بررسی وجوه افتراق بین اسلام و مسیحیت پرداخته‌اند و در پی اثبات برتری یک دین بر دین دیگر بوده‌اند. پژوهش‌هایی هم در زمینه وجوه اشتراک این دو دین انجام شده است؛ از جمله علوی (۲۰۰۶)، در کتابی با عنوان *مبانی دینی مشترک بین اسلام و مسیحیت*، به بررسی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، شناخت‌شناسی، و ارزش‌شناسی در دو دین اسلام و مسیحیت پرداخته است.

همچنین در مقاله‌ای دیگر (۱۳۸۸)، تحت عنوان «بررسی تطبیقی تربیت دینی در اسلام و مسیحیت»، وجوه مشترک تربیت دینی در اسلام و مسیحیت را مورد بررسی قرار داده است. اما پژوهشی که صرفاً به بررسی ویژگی‌های دنیا در قرآن و انجیل بپردازد، انجام نشده است. از این رو، با توجه به اینکه در این دو دین نقاط مشترک فراوانی وجود دارد که تأکید بر آنها می‌تواند زمینه تفاهم و تسالم را بین پیروان این دو دین برقرار کند، با الهام از پیام روح‌بخش قرآن مجید که می‌فرماید: ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾

دنیا یکی از بسترهای مهم تربیت می‌باشد و شناخت آن در زندگی انسان بسیار حایز اهمیت است و در زندگی او تأثیر می‌گذارد. تا انسان دنیا را نشناسد نمی‌تواند با آن رابطه صحیحی برقرار کند. انسان باید بداند دنیا چیست؟ ماهیت آن چگونه است؟ آیا دنیا مذموم و ناپسند است و باید آن و همه مواهب و زیبایی‌هایش را ترک کرد؟ و یا نه، باید از تمام آنچه که در دنیا وجود دارد نهایت استفاده را داشت؟ برداشت انسان از دنیا نیاز بر بنای تصمیمات مهم زندگی او می‌شود.

از سوی دیگر، کتب آسمانی که برای هدایت و تربیت انسان نازل شده‌اند، دارای آموزه‌های ارزشمندی در خصوص تعالی و تربیت انسان می‌باشند. این کتب، انسان و جهان را «آنچنان‌که هستند» و انسان را «آنچنان‌که باید باشد» و جهان را «آنچنان‌که می‌توان از آن برخوردار شد»، برای خاک‌نشینانی که مهمان چند روزه در قلمرو انسان و جهانند، تعلیم می‌دهد. این متون مقدس همه صلاح و فساد و استعدادها را و اینکه این موجود چه باید انجام بدهد و از چه چیزی باید اجتناب کند، دربر دارند (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۱۷). بنابراین، برای دستیابی به شناختی صحیح در مورد دنیا می‌توان از این متون مقدس بهره جست.

از این رو، این نوشتار در پی آن است که دیدگاه دو دین هم‌خانواده یعنی اسلام و مسیحیت را از منظر کتب مقدس آنها (قرآن و انجیل) در مورد دنیا مقایسه کند. طبق بررسی‌های به‌عمل‌آمده، تاکنون بررسی‌های تطبیقی متعددی بین قرآن و انجیل صورت گرفته و هرکدام به بررسی عوامل مختلفی پرداخته‌اند؛ از جمله بهشتی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «کرامت انسان از دیدگاه اسلام و مسیحیت»، به بررسی مسئله کرامت انسان در این دو دین پرداخته است.

اسلامی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با عنوان «حق به‌مرگی از

(آل عمران: ۶۴) (بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد)، با هدف بررسی نقاط مشترک این دو دین در خصوص دنیا انجام خواهد شد. از این رو، در مقایسه‌ای که بین این دو دین صورت خواهد گرفت، ویژگی‌های مشترک دنیا استخراج، و استلزامات تربیتی مربوط به هر ویژگی با توجه به نظرات اندیشمندان مسلمان و مسیحی ارائه خواهد شد، تا بر اساس آنها بتوان به یک الگوی تربیتی مشترک در خصوص دنیا دست یافت که هم برای مسلمانان و هم برای مسیحیان قابل استفاده باشد و هم زمینه را برای برقراری وحدت بین پیروان این دو دین فراهم کند.

سؤال‌های پژوهش حاضر، به قرار ذیل است: ۱. ویژگی‌های مشترک دنیا در قرآن و انجیل چیست؟ ۲. استلزامات تربیتی مربوط به هر ویژگی چه می‌باشد؟

تعریف مفاهیم مطرح شده در سؤال‌های پژوهش

انجیل: زندگی‌نامه عیسی مسیح و بیانات اخلاقی او در چهار انجیل مسطور است که مجموعه این انجیل را «عهد جدید» گویند. این چهار انجیل عبارتند از: انجیل متی، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا که در نزد همه مسیحیان جهان معتبر هستند. علاوه بر این چهار انجیل، انجیل دیگری به نام انجیل برنابا وجود دارد که هماهنگی زیادی با روایات اسلامی و از جمله قرآن دارد (مشکور، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸). در این پژوهش از کتاب مقدس نسخه تصویب شده کینگ جیمز که به زبان انگلیسی می‌باشد، کتاب عهد جدید ترجمه پیروزسیار و انجیل برنابا ترجمه گروه پژوهش و تحقیقات خاتم مشهد استفاده خواهد شد.

دنیا از دیدگاه اسلام: دنیا مؤنث ادنی است. اگر آن را از

دنیء و دنائت بگیریم، به معنی پست‌تر و اگر از دنؤ به حساب آوریم، به معنی نزدیک‌تر است، و آن پیوسته وصف است و احتیاج به موصوف دارد. مثل حیات دنیا، عذاب دنیا، و سعادت دنیا. زندگی دنیا را، دنیا می‌گوییم از این جهت که نسبت به زندگی آخرت پست‌تر و ناچیزتر است و یا از این حیث که این زندگی از زندگی آخرت به ما نزدیک‌تر است. از آیات شریفه استفاده می‌شود که آن به معنای دوم است و اصل آن دنؤ می‌باشد؛ زیرا که در آیات زیادی با آخرت مقابل افتاده است (قرشی بنابی، ۱۳۰۷، ج ۲، ص ۳۶۲).

هرچند از معنای لغوی واژه دنیا تا حدی می‌توان به حقیقت آن پی برد، اما با توجه به تبیین و توصیف قرآن کریم و روایات از دنیا، که در غالب موارد با دو قید لهو و لعب و با دو وصف متعارض (مدح و ذم) همراه و قرین است، اندکی درک آن را با مشکل مواجه ساخته و چالشی را میان مفسران و علمای دینی برانگیخته است؛ اینکه آیا دنیا، همین زمین و آسمان و بیابان‌ها و نظام طبیعت است؟ یا این مخلوقات از حقایق نظام هستی و آیات حق بوده و مقصود از دنیا همان اعتباریات و امور قراردادی ما انسان‌هاست؛ و در واقع، دنیا غیر از نظام طبیعت است؟ برخی حقیقت دنیا را در امور تکوینی آن دانسته و برخی دیگر از عالمان دینی علاوه بر تکوینیات، امور اعتباری و قراردادی را هم جزء حقیقت دنیا به‌شمار آورده‌اند (خلیلی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳).

دنیا عبارت است از آمال انسان. دنیا تکذیب شده است و عالم طبیعت تکذیب نشده است. دنیا همان است که پیش‌روی انسان است. خود انسان وقتی توجه به نفسش دارد، خودش دنیا است. دنیای هر کس آن است که در خودش است. آن تکذیب شده است، اما شمس و قمر و طبیعت هیچ تکذیب نشده است، اینها تعریف شده است، اینها مظاهر خداست (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۵۶).

دنیا عبارت است از انسان، جهان و میدان عمل و

انجام وظیفه. باید توجه داشت که منظور از دنیا، زمین، آسمان، کوه، دشت، دریا، خوراک و پوشاک و خانواده نیست. چون اینها همه از نعمت‌های الهی و مظاهر رحمت و قدرت خدا هستند (تقوی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۹). دنیا نامی است بر مرحله‌ای ابتدایی از هستی و قشری کم‌مایه از آن، که در حال حاضر، انسان محصور در ضیق آن زندگی می‌کند (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

دنیا از دیدگاه مسیحیت: در عهد جدید، واژه‌های متعددی به زبان یونانی وجود دارند که «دنیا» ترجمه شده‌اند. از بین آنها «کازمس» (Kosmos) بیشترین تکرار را دارد و به معنای عالم است. واژه دیگر «اویکومن» (oikoumene) است که به معنای ارض مسکون است. واژه سوم «آین» (aion) که برای نشان دادن تقابل بین این دنیا و دنیای آخرت به کار می‌رود. در بعضی از آیات پولس مقدس به مخاطبان رساله‌هایش توصیه می‌کند که به دنیا وابسته نشوند، گرچه در بعضی از آیات از مردم خواسته شده است که از دنیا دوری کنند، اما مسیح از حواریون خود هرگز نمی‌خواهد دنیا به معنی جامعه را ترک گویند و پولس نیز چنین درخواستی را از پیروانش ندارد (برونینگ، ۲۰۰۹، ص ۴۳۵).

منظور از جهان، زمینی است که بر آن سکونت داریم و گاهی قصد از تمام عالم می‌باشد و گاهی مقصد از قطعه زمین و محل و حوزه متصرف و اقتدار رومیان است و گاهی قصد از یهودیه و حوالی آن می‌باشد. گاهی ترجمه لفظ عولام عبری است. بعضی اوقات، جهان مقصود از قرن می‌باشد و بسیار جاها به معنی ایامی است که در گذر است و قرن حساب می‌شود، و غالباً به معنای مال و اموال و فواید و احساسات دنیوی می‌باشد و گاهی به معنای دولت و ثروت و لذات و احترامات دنیوی است که بنی نوع بشر آن را با اعلی درجه دوست می‌دارند و پیروی آن پر از گناه می‌باشد (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۲۹۹).

مفهوم دنیا در تاریخ اندیشه مسیحی از همان آغاز از ابهام برخوردار بوده است. در عهد جدید منظور از دنیا، دنیای انسان‌هاست که در تضاد و تقابل با خدا می‌باشد، البته همچنین به معنای دنیایی که خدا آن را دوست می‌دارد و از طریق مسیح آن را با خود آشتی داده است، نیز می‌باشد. تاریخ مسیحیت همواره شاهد بحث و جدلهایی بوده است که از این ابهام منبعث شده‌اند. در دوره‌هایی از تاریخ مسیحیت، رسم زاهدانه ترک دنیا رواج داشته است؛ مانند نهضت‌های رهبانی اولیه، و در بعضی از دوره‌ها، از دنیا و متعلقات آن استقبال می‌شده است؛ از جمله در سخنرانی لوتر خطاب به اشرافیت آلمان که اظهار می‌دارد: «قلمرو کار ایمان همین جامعه این جهانی و نظام آن است.» با وجود این، چه در دوره‌های طولانی‌ای که ترک دنیا مرسوم بوده است و چه در دوره‌هایی که اندیشه‌هایی در خصوص ضرورت تأیید دنیا وجود داشته است، یک نقطه ثابت نهایی در تفکر مسیحی در خصوص دنیا وجود نداشته است (مک کواری و چاپلدرس، ۲۰۰۱، ص ۶۶۹).

رایت (۲۰۱۰) در بررسی‌ای که پیرامون معانی دنیا در کتاب مقدس انجام داده، به این نتیجه رسیده است که در عهد جدید منظور از دنیا، موارد ذیل می‌باشد: ۱. جهان مادی که در آن زندگی می‌کنیم؛ ۲. کل نژاد انسان‌ها، جهان و ملت‌ها؛ ۳. محل عصیان و نافرمانی خدا (دنیای گناه، داوری، رنج، فقر و درد)؛ ۴. دنیایی که مورد لطف خدا قرار گرفته و محل رسیدن به رستگاری است؛ ۵. دنیای آخرت.

یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش (ویژگی‌های مشترک دنیا در قرآن و انجیل چیست؟)

۱. دنیا فریبنده است

از دیدگاه قرآن، دنیا خاصیت فریبندگی دارد و از آن به عنوان سرمایه فریب یاد می‌کند: ﴿وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ

بیازماییم که کدام یک دارای بهترین عمل هستند. از دیدگاه انجیل نیز، دنیا فریبنده است و انسان را وسوسه می‌کند. حضرت عیسی می‌فرماید: «وای بر دنیا که موجب لغزش هاست» (انجیل متی، ۱۸:۷؛ انجیل برنابا، ۱:۸۷). دنیا به وسیلهٔ اموری آرایش شده و چهره زیبایی پیدا کرده است: «عالم را به آنچه که در آن است آرایش نموده» (انجیل برنابا، ۳۹:۶). این امور که زیبایی‌ها و زینت‌های دنیایی می‌باشند، عبارتند از: شهوات، ثروت و لذات زندگی که انسان را مسحور خود می‌سازند و از راه اصلی خود (رسیدن به کمال) بازمی‌دارند. حضرت عیسی در تمثیلی به این زینت‌ها اشاره کرده‌اند: «تخم‌های افشاندۀ شده در خارها کسانی هستند که کلام را می‌شنوند، لیک در طول راه دغدغه‌ها و ثروت و لذات زندگی آنها را خفه می‌کند و به کمال نمی‌رسند» (انجیل لوقا، ۸:۱۴). منظور ایشان از تخم‌های افشاندۀ شده در زیر خارها کسانی هستند که به کلام خدا ایمان می‌آورند، اما ایمان آنها در برابر لذات زندگی و نگرانی از مال و ثروت کم‌رنگ شده و سپس از بین می‌رود و از این‌رو، هرگز نمی‌توانند به سعادت برسند. از آنجاکه این امور خاصیت فریبندگی دارد. از مردم خواسته شده که فریب این امور را نخورند؛ چراکه گذرا هستند و انسان را از خدا دور می‌سازند: «به دنیا و هر آنچه در آن است، دل نبندید. اگر کسی به دنیا دل بندد، محبت پدر در او نیست؛ زیرا هر آنچه در دنیا هست شهوت جسم، شهوت دیدگان، غرور و ثروت از پدر نیست، بلکه از دنیاست. باری، دنیا با شهواتش می‌گذرد و لیک آن کس که اراده خدا را به جای آورد، باقی می‌ماند (رساله اول یوحنا، ۱۷-۱۵:۲).

با توجه به مقایسه انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه هر دو کتاب، دنیا فریبنده است. دنیا به وسیله اموری تزئین و آرایش شده است. زینت‌های دنیا عبارتند

الْعُرُورُ ﴿آل عمران: ۱۸۵﴾؛ زندگی دنیا چیزی جز سرمایه فریب نیست. دنیا به اموری تزئین شده است که در نظر انسان زیبا جلوه می‌کند و انسان را به خود جلب و او را وسوسه می‌کند و شیفته و فریفته خود می‌سازد و از خدا غافل می‌سازد و به گناه وامی‌دارد. از جمله زینت‌های دنیا می‌توان به ثروت و فرزندان اشاره کرد: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (کهف: ۴۶). در جای دیگر، خداوند علاقه به مال و ثروت، زن، فرزند، طلا، نقره و چهارپایان و... را زینت دنیا معرفی می‌کند: ﴿زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَبَإِ﴾ (آل عمران: ۱۴)؛ محبت امور مادی، از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و چهارپایان و زراعت، در نظر مردم جلوه داده شده است (تا در پرتو آن، آزمایش و تربیت شوند ولی) اینها (در صورتی که هدف نهایی آدمی را تشکیل دهند)، سرمایه زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک (و زندگی والا و جاویدان)، نزد خداست. اینها اموری است که انسان به آنها علاقه دارد و به سمت آنها جذب و سرگرم آنها می‌شود. به همین خاطر، قرآن دنیا را سرای بازی و سرگرمی خوانده است: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾ (حدید: ۲۰)؛ بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است. تزئین دنیا به این امور، خواست خداوند است و اوست که دنیا را با این امور تزئین کرده و عشق و علاقه به این امور را در نهاد انسان قرار داده تا از این طریق انسان را آزمایش کند: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (کهف: ۷)؛ ما آنچه را روی زمین است زینت قرار دادیم تا آنها را

از: شهوت، لذت و ثروت. زینت‌ها و زیبایی‌های دنیا انسان را فریب می‌دهند و او را به خود جذب می‌کنند و از رسیدن به امور دیگر غافل می‌سازند.

۲. دنیا ناپایدار است

از دیدگاه قرآن، دنیا ناپایدار است. قرآن ناپایداری دنیا را با مثالی زیبا بیان می‌کند: ﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْيَنْتَ وَظَنَّ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتَتْهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْن بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (یونس: ۲۴). تصور کنید باغی است پر از درخت و سبزه و گیاه که همگی به ثمر نشسته و غوغای حیات در سرتاسر آن نمایان است، اما در یک شب تاریک یا یک روز روشن ناگهان ابرهای سیاه آسمان را می‌پوشاند، رعد و برق و سپس طوفان و رگبارهای شدید و تگر های دانه درشت آن را از هر سو در هم می‌کوبد. فردا که به دیدن آن باغ می‌آییم درختان در هم شکسته، گیاهان از هم پاشیده و پژمرده، و همه چیز را در هم به روی خاک ریخته در مقابل خودمان مشاهده می‌کنیم، آنچنان‌که باور نمی‌کنیم این همان باغ سرسبز خرمی است که دیروز به روی ما می‌خندید. آری، چنین است ماجرای زندگی انسان‌ها، بخصوص در عصر و زمان ما که گاه یک زلزله یا یک جنگ چند ساعته چنان یک شهر آباد و خرم را در هم می‌کوبد که چیزی جز یک ویرانه با یک مشت اجساد قطعه قطعه شده باقی نمی‌گذارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۲۶۳). نظیر این تمثیل در آیه ۴۵ سوره «کهف» و آیه ۲۰ سوره «حدید» نیز آمده است.

در آیه ۱۸ سوره «اسراء»، نیز خداوند برای اشاره به زودگذر بودن زندگی دنیا از کلمه «عاجله» استفاده کرده

است که به معنی زندگی زودگذر دنیا است: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ﴾؛ هر کس متاع عاجل و زودگذر دنیا را طالب است متاع دنیا را به او می‌دهیم. زندگی دنیا چنان زود می‌گذرد که وقتی خداوند در روز قیامت، از مردم سؤال می‌کند که مدت درنگ شما در زمین چقدر بوده است؟ آنها پاسخ می‌دهند: یک روز، یا جزئی از یک روز در زمین زندگی کرده‌ایم: ﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ، قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِّينَ﴾ (مؤمنون: ۱۱۲-۱۱۳)؛ چند سال در روی زمین توقف کردید؟ (در پاسخ) می‌گویند: تنها به اندازه یک روز یا قسمتی از یک روز! بنابراین، انسان فقط چند صباحی در دنیا زندگی می‌کند، سپس باید به سرای اصلی خود برگردد: ﴿يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْأَخْرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ (غافر: ۳۹)؛ ای قوم، این زندگانی (فانی) دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی (و حیات جاودانی) است.

از دیدگاه انجیل نیز دنیا ناپایدار و زودگذر است. دنیا سرای دایمی انسان نیست، بلکه انسان فقط چند روزی در این دنیا مهمان است: «این جهان خانه‌ای است که خداوند در آن به همه بشر مهمانی می‌دهد» (انجیل برنابا، ۱۸: ۱۳۱). مدت این مهمانی به سرعت تمام می‌شود. از این رو، انسان باید همواره در جست‌وجوی سرای دایمی خود باشد: «چه در این جهان شهر ماندگاری نداریم، شهر آینده را می‌جوییم» (رساله به عبرانیان، ۱۴: ۱۳). زندگی دنیا به سرعت می‌گذرد و فانی می‌شود و آنچه که به جا می‌ماند و جاویدان است سرای آخرت است: «بهر ما که نه به امور پیدا، بلکه به امور ناپیدا می‌نگریم؛ چراکه امور پیدا گذرا است و امور ناپیدا جاودانه» (رساله دوم به کرنیان، ۴: ۱۸). منظور از امور پیدا، زندگی دنیا است که گذرا و موقتی است، اما امور ناپیدا که همان

برقرار باشد؛ نه درختی که زود خزان می‌شود و نابود می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۳۹۷).

هر کس در این مزرعه برای دنیا کشت کند، مطابق آن محصول می‌گیرد: ﴿وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا﴾ (آل عمران: ۱۴۵)؛ هر کس خواهان ثواب این جهانی باشد به او می‌دهیم. در جای دیگر قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصَلِّيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾ (اسراء: ۱۸)؛ آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیا) را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم - و به هر کس اراده کنیم - می‌دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد درحالی‌که نکوهیده و رانده (درگاه خدا) است. و هر کس در این مزرعه برای آخرت کشت کند، مطابق آن محصول برداشت می‌کند: ﴿وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا﴾ (آل عمران: ۱۴۵)؛ و هر کس خواهان ثواب آن جهانی باشد به او می‌دهیم. ﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾ (اسراء: ۱۹)؛ و آن کس که سرای آخرت را بطلبد، و برای آن سعی و کوشش کند - درحالی‌که ایمان داشته باشد - سعی و تلاش او، (از سوی خدا) پاداش داده خواهد شد.

از دیدگاه انجیل نیز دنیا مزرعه آخرت است و هر عملی که انسان در دنیا انجام می‌دهد مانند بذری است که در زمین افشاند می‌شود و آخرت موسم درو محصول است: «چه هر بذری بی‌فشانیم، همان را خواهیم دروید؛ آن کس که در جسم خویش بذر افشاند، از جسم فساد خواهد دروید؛ آن کس در روح بذر افشاند، از روح حیات جاودان خواهد دروید» (رساله به گالاتیان، ۸: ۷-۶). هر کاری که انسان در دنیا انجام می‌دهد، در آخرت نیز صورتی دارد. حضرت عیسی نیز در این خصوص می‌فرماید: «به راستی شما را می‌گویم آنچه را بر زمین بریندید، در آسمان بر بسته خواهد

زندگی آخرت است، جاویدان و باقی است. با توجه به مقایسه انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه هر دو کتاب دنیا ناپایدار است. انسان فقط مدت کوتاهی در آن زندگی می‌کند. زندگی دنیا زود می‌گذرد و فانی می‌شود. آخرت سرای جاوید و منزلگاه دایمی انسان است.

۳. دنیا مزرعه آخرت است

از دیدگاه قرآن، دنیا مزرعه آخرت است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ﴾ (شوری: ۲۰). این آیه با یک تشبیه لطیف، مردم جهان را در برابر روزی‌های پروردگار و چگونگی استفاده از آنها، به کشاورزانی تشبیه کرده که گروهی برای آخرت کشت می‌کنند و گروهی برای دنیا، و نتیجه هر یک از این دو زراعت را مشخص کرده است. به فرموده این آیه، انسان‌ها همگی زارع‌اند و این جهان، مزرعه ماست؛ اعمال ما بذرهای آن و امکانات الهی، بارانی است که بر آن می‌بارد و این بذرها اما بسیار متفاوت است؛ بعضی محصولش نامحدود و جاودانی و درختانش همیشه خرم و سرسبز و پر میوه است؛ و بعضی محصولاتش بسیار کم، عمرش کوتاه و زودگذر است و میوه‌های تلخ و ناگوار دارد. تعبیر به «یرید» (می‌خواهد)، اشاره به تفاوت نیت‌های مردم است و مجموع آیه، شرحی درباره مواهب و روزی‌های پروردگار که گروهی از این مواهب به صورت بذرهایی برای آخرت استفاده می‌کنند و گروهی برای تمتع دنیا. با توجه به این آیه، دنیا و آخرت هر دو نیاز به تلاش و کوشش دارد و هیچ کدام بدون زحمت و رنج بدست نمی‌آید؛ همان‌گونه که هیچ محصولی بی‌رنج و زحمت فراهم نمی‌شود. پس چه بهتر که انسان با رنج و زحمتش درختی را پرورش دهد که میوه‌اش شیرین و همیشگی و

زیبایی‌ها از جمله ثروت، شهوت، فرزند و... زیبایی‌های واقعی نیستند، بلکه این امور تنها جلوه‌های فریبده‌ای می‌باشند که برای آزمایش انسان وضع شده‌اند. این امور انسان را اسیر و شیفته خود می‌سازند. این زیبایی‌ها، آرزوها و حرص و طمع انسان را برمی‌انگیزند، به طوری که انسان در جهت رسیدن به آنها از هیچ کاری دریغ نمی‌کند و وقتی که به آنها دست یافت، سرگرم آنها می‌شود و دیگر جز این زیبایی‌های کاذب چیز دیگری نمی‌بیند و دیگر مجالی برای پرداختن به امور دیگر برای او باقی نمی‌ماند.

انسان باید در مقابل این جاذبه‌های خطرناک دنیا، مقاومت کند و هرگز خود را اسیر و گرفتار آنها نسازد؛ چراکه در این صورت، اینها باعث هلاکت و نابودی او می‌شود، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: جمع‌آوری مال و ثروت و خرج نکردن آنها در راه خدا باعث نابودی افراد می‌شود: «وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَ لَمْ يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۳۴)؛ کسانی که طلا و نقره را گنجینه می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت ده.

از دیدگاه انجیل نیز غوطه‌ور شدن در شهوت و لذات زندگی، انسان را هلاک می‌کند: «لیک هر کس با شهوت خویش که او را به سوی خود می‌کشاند و می‌فریبد، آزموده می‌شود. سپس شهوت چون آبستن گردد، گناه می‌زاید و گناه چون به غایت رسد، مر به دنیا می‌آورد» (رساله یعقوب، ۱۴-۱۵:۱)، و همچنین دوستی مال و ثروت نیز عامل هلاکت و دوری از خدا معرفی شده است: «اما کسانی که برآند تا ثروت‌ها اندوزند، گرفتار و سوسه و دام و بسی شهوات نامعقول می‌گردند که آدمیان را در نابودی و هلاکت غرقه می‌سازد؛ چراکه منشأ جمله بدی‌ها مال‌دوستی است. پاره‌ای از کسانی که به سبب تسلیم شدن بدان، از ایمان دور گشتند و جان خویش را به

ماند و هر آنچه را بر زمین برگشایید، در آسمان برگشوده خواهد ماند» (انجیل متی، ۱۸:۱۸).

از این رو، انسان می‌تواند از این طریق برای آخرت خود توشه‌ای فراهم کند. کسی که برای بهره‌های دنیا، بذر می‌کارد، و دنیا را هدف و مقصود خود قرار می‌دهد، مطابق همان محصول می‌گیرد؛ محصولی فانی و بی‌ارزش: «بهر خویش به روی زمین گنج میندووزید، آنجا که بید می‌خورد و کرم می‌گذارد و آنجا که ربایندگان نقب می‌زنند و به یغما می‌برند» (انجیل متی، ۱۹:۶). کسی که برای حیات جاودان بذر می‌کارد، محصولی جاودان نصیبش می‌شود: «بلکه در آسمان‌ها گنج اندووزید: آنجا که نه بید می‌خورد و نه ربایندگان نقب زنند و نه به یغما می‌برند» (انجیل متی، ۲۰:۶).

با توجه به مقایسه انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت که از دیدگاه هر دو کتاب دنیا مزرعه آخرت است. اعمال انسان در دنیا مانند بذرهایی است که در زمین پاشیده می‌شود. آخرت زمان برداشت محصول و دیدن نتیجه کار است. اعمالی که به قصد رسیدن به تمتع دنیایی انجام شود، محصولی فانی به دست می‌دهند. اعمالی که به هدف رسیدن به بهره‌های آخرت انجام می‌شوند، محصولی پایدار و جاودانی به دست می‌دهند.

یافته‌های مربوط به سؤال دوم پژوهش (استلزامات تربیتی مربوط به ویژگی‌های مشترک دنیا در قرآن و انجیل چه می‌باشند؟)

۱. استلزامات تربیتی مربوط به ویژگی فریبنده

بودن دنیا در قرآن و انجیل

دنیا فریبنده است و زیبایی‌های آن انسان را فریب می‌دهد و به خود جذب می‌کند. از این رو، انسان در برخورد با زیبایی‌ها و زیورهای دنیا باید هوشیار باشد و بداند که این

و تباهگری و ستمگری اش می‌شود. همه سرکشی‌ها، ستم‌ها و تباهی‌ها به خاطر تمتع دنیایی است؛ علت همه اینها بهره‌های دنیایی است. به سبب دنیاست که انسان خود را از کمال محروم می‌کند و به خاطر کالای پست دنیایی است که آدمی گمراهی پیشه می‌کند. حقیقت این است که جز به وسیله دنیا معصیتی صورت نمی‌گیرد و جز با ترک آن کمالی حاصل نمی‌شود. تا انسان از دنیای خود (وابستگی‌های پست) آزاد نشود، نمی‌تواند متصف به صفات و کمالات الهی شود. دنیا بازدارنده آدمی از امور والا و مراتب بالا و مشغول‌کننده آدمی به امور موهوم و مسائل مذموم است. دنیا انسان را از اموری که برای آن آفریده شده است، بازمی‌دارد و آدمی را سرگرم موهومات و امور غیرواقعی می‌کند. دنیا حجاب حقیقت است و کالای فریب. دنیا آمال آدمی است، تارهایی از آن حاصل نشود، تربیت حقیقی فراهم نمی‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۰).

در انجیل بهره‌های دنیا منشأ همه تباهی‌ها، گناه‌ها، حسدها و کینه‌هاست. دنیا مانع اصلی رسیدن انسان به خداست: جنگ‌ها و پیکارها از کجا میان شما می‌آید؟ آیا از هوا و هوس‌های شما نیست که در اعضایتان می‌ستیزند؟ طمع می‌ورزید و ندارید؟ آن‌گاه قتل می‌کنید. حسد می‌ورزید و به کف نتوانید آورد؟ آن‌گاه به پیکار برمی‌خیزید و جنگ می‌کنید. ندارید چون نمی‌خواهید. می‌خواهید و نمی‌یابید؛ چون بد می‌خواهید، از آن روی که صرف هوا و هوس‌های خویش کنید. ای زناکاران، آیا نمی‌دانید دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ پس آن کس که بخواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا می‌گردد (رساله یعقوب، ۴:۱-۴).

انسان نمی‌تواند هم شیفته دنیا باشد، هم شیفته خدا. اگر انسان بخواهد واقعاً خداگونه شود، باید از مظاهر دنیا چشم‌پوشد. حضرت عیسی نیز در این خصوص

عذاب‌های بی‌شمار مبتلا ساختند» (رساله اول به تیموتئوس، ۶:۹-۱۰). این امور واهی، انسان را از یاد خدا غافل می‌سازد؛ زیرا مادامی که انسان درگیر جمع‌آوری ثروت و لذت بردن از زیبایی‌های زندگی است نمی‌تواند در مسیری گام بردارد که به خدا منتهی می‌شود و از این رو، نمی‌تواند به کمال برسد. زیورهای دنیا، مانع رسیدن انسان به خداست. اگر انسان خواهان رسیدن به کمال و سعادت باشد، باید از این امور دوری کند.

آگوستین متفکر مسیحی نیز دل بستن به زیبایی‌های دنیا را، علت دور شدن خود از خدا، می‌داند و در نیایش‌های خود، اظهار می‌دارد: ای آنکه زیبایی‌ات هم دیرینه است و هم تازه، عشق به تو را چه دیر فرا گرفتم! چه دیر عاشقت شدم! تو در من بودی و من در جهان بیرون از خود به سر می‌بردم. تو را بیرون از خود می‌جستم و از آن روی که خود چهره‌ای کریه داشتم، به مخلوقات نیکو سیمایت دل می‌بستم. تو با من بودی، اما من با تو نبودم. زیبایی‌های این جهان مرا از تو دور می‌ساخت (آگوستین، ۱۳۷۹، ص ۳۲۷).

وی راه برخورد صحیح با زیورهای دنیا را خویشتن‌داری می‌داند و در این خصوص می‌گوید: تنها با خویشتن‌داری است که می‌توانیم وحدت ذاتی خویش را که در آشفتگی میان لذات گوناگون تباه شده است از نو به دست آوریم. آن کس که جنب عشق به تو، چیزهایی دیگر را نیز صرفاً محض خاطر خودشان و نه به خاطر تو، دوست می‌دارند، عشقشان به تو بس اندک است. همانا تو فرمان دادی که خویشتندار باشیم و از ارضای هواهای فاسد و ارضای شهوت چشم، این زینت ناچیز حیات بپرهیزیم (همان، ص ۳۲۹).

وابستگی و اسیر شدن در بند دنیا، انسان را از پرواز به سوی مقصد توحید بازمی‌دارد و موجب فریب خوردن او

می‌فرماید: «یقین بدانید که خداوند دشمن دارد آرایش‌ها و شهوت‌های این دنیا را؛ بنابراین، شما هم آن را دشمن بدارید» (انجیل برنابا، ۱۸:۲۸). بنابراین، بهترین روش برای مقابله با زیورها و زیبایی‌های دنیا، این است که انسان آنها را شناسایی کند، به حقیقت آنها پی ببرد و در مقابل جاذبه آنها مقاومت کند، ایمان خود را تقویت کند و با به کار بردن عقل و ایمان، خود را از دام آنها برهاند.

۲. استلزامات تربیتی مربوط به ویژگی ناپایدار

بودن دنیا در قرآن و انجیل

دنیا با همه ارزش‌هایش فناپذیر و از بین رفتنی است. از این رو، شایسته نیست که انسان به آن وابسته شود و آن را هدف خود قرار دهد و عمر و تلاش خود را صرف رسیدن به منافع مادی آن کند؛ چراکه دنیا به سرعت می‌گذرد، به طوری که فرصت استفاده از آنچه را که انسان برای به دست آوردن آن یک عمر تلاش کرده است نیز به انسان نمی‌دهد و یا ممکن است همه سرمایه‌ها و اندوخته‌های انسان در دنیا، در یک چشم به هم زدن (مثلاً در اثر سیل، زلزله و...) از بین برود. بنابراین، دنیایی که هیچ دوام و بقایی ندارد، نباید محبوب انسان واقع شود. دور از عقل و منطق است انسان روی چیزی سرمایه‌گذاری کند که فانی است.

عقل کسی است که به موجود دایم و پایدار دل می‌بندد و برای آن جهاد کند و در راه آن از نثار و ایثار دریغی ندارد و از بذل نفس و نفیس، مسامحه نمی‌کند. در مقابل، جاهل کسی است که ناپایدار را اصیل می‌پندارد و برای آن کوشش می‌کند و نثار و ایثارش در راه امری زایل‌شدنی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰). حضرت عیسی نیز در مورد علاقه به دنیای فانی می‌فرماید: «حقیقت این است هرگاه چیزی ناپایدار باشد از دیوانگی می‌باشد که انسان آن

را دوست بدارد. از این رو، انسان باید چیزی را دوست داشته باشد و نگه‌داری کند که پایدار است و نهایی دارد» (انجیل برنابا، ۴-۳:۱۲۵). اگر انسان به این بینش دست یابد که دنیا و هر آنچه در آن است فانی است، نه به آن دل می‌بندد و نه از رسیدن به منافع آن اندوهگین می‌شود؛ چراکه ثروت دنیا نیز فانی است و ارزش این را ندارد که هدف و مقصود انسان واقع شود.

حضرت عیسی در مورد ناپایداری ثروت دنیا تمثیل زیبایی را به کار برده، و می‌فرماید: توانگری از املاک خویش ثمر بسیار حاصل کرده بود. و از خود پرسید: چه کنم؟ چراکه بهر گرد آوردن محصول خود جایی ندارم. پس آن‌گاه با خود گفت: چنین می‌کنم: انبارهای خویش را خراب خواهم کرد و انبارهای بزرگتری خواهم ساخت و در آنها تمامی گندم و اموال خود را گرد خواهم آورد و جان خویش را خواهم گفتم: ای جان من، از برای سالیان دراز بسی مال اندوخته‌ای؛ بیاسای و بخور و بنوش و خوش باش. لیک خدا او را گفت: ای نابخرد! همین امشب جانان از تو ستانده خواهد شد. و آنچه اندوخته‌ای از آن چه کس خواهد گشت؟ چنین است روزگار کسی که بهر خویش ثروت اندوزد و نزد خدا توانگر نباشد (انجیل لوقا، ۱۲:۱۶-۲۱).

با توجه به تمثیل حضرت عیسی، مال و ثروت دنیا ضامن سعادت انسان نیست؛ چراکه ممکن است انسان هرگز نتواند از مالی که سالیان طولانی برای جمع‌آوری آن زحمت کشیده بهره ببرد؛ زیرا ممکن است مر سراج او آید و مجال استفاده از آن را به او ندهد. بنابراین، عاقلانه نیست که انسان تمام هم و غم خود را برای رسیدن به آن قرار دهد، بلکه باید برای رسیدن به اموری تلاش کند که باقی و جاودان می‌باشند.

همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ

منزل دائمی خود (سرای آخرت) بهره‌ای فراهم کند؛ چراکه انسان در جهان آخرت، زنده است. زنده، نیاز به غذا و لباس دارد، اما غذا و لباس آنجا را باید در دنیا فراهم کرد، وگرنه در آنجا لباس و غذایی کسب نمی‌شود. مشکل این است که در آنجا این نیازها هست، بازاری هم نیست و کالایی را به کسی عرضه نمی‌کنند. بنابراین، انسان باید همه چیز را به همراه خود ببرد (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۹-۱۳۰). هر عملی که انسان در دنیا انجام دهد، همانند بذری است که در زمینی افشاند می‌شود و نتیجه و محصول آن در آخرت درو می‌شود. بنابراین، زندگی آخرت را همان اعمال دنیوی تشکیل می‌دهد.

بین دنیا و آخرت رابطه تنگاتنگی برقرار است. این رابطه از نوع رابطه قراردادی نیست، بلکه رابطه‌ای تکوینی بین عمل و نتیجه آن در آخرت وجود دارد. اعمال دنیایی ما دارای صورت‌های آخرتی است که در آخرت به صورت نعمت و یا عذاب ظاهر می‌شود. به تعبیر زیبایی شهید مطهری، «دنیا رحم آخرت و محل تربیت انسان‌ها و پرورش استعدادهای آنهاست.» عقاید و اخلاق و اعمال ما در دنیا، تعیین‌کننده سرنوشتمان در آخرت بوده، چهره آن جهانی ما همان صورتی است که در دنیا برای خویش ساخته‌ایم (برجی، ۱۳۸۶، ص ۴۶).

حال که چنین رابطه‌ای بین دنیا و آخرت وجود دارد، پس لازم است انسان با انجام اعمال نیک و پسندیده بهره و توشه مناسبی برای آخرت خود فراهم می‌کند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید: ﴿فَأَقْرَهُوْا مَا تَبَسَّرْتُمْ مِنْهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ أَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَ أَعْظَمَ أَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مزل: ۲۰)؛ سپس آنچه برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات بپردازید و به خدا

مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾ (نحل: ۹۶)؛ آنچه نزد شماست از میان می‌رود، آنچه نزد خدا است باقی می‌ماند. زندگی دنیا که زندگی مادی و مبتنی بر تحول و دگرگونی است و دوام و بقای آن بر تغییر و زوال استوار است. چیزی است که نزد شما و دست شماست و هر آنچه را که اکنون در دست دارید از دست رفتنی شمارید؛ به‌خلاف آنچه نزد خداست که باقی و پابرجاست و زوال و فنا نمی‌پذیرد. پس هر عاقلی می‌داند که باقی بهتر از فانی است. از این رو، جا دارد دل از دنیا و علایق آن برکند و به خوشی‌های دائمی و باثبات دل خوش دارد. البته چنین کاری، مستلزم تحمل تلخی، مخالفت با هوای نفس و صبر و خویشتن‌داری در مقابل خواهش‌ها و تمایلات نفسانی و وسوس و تحریکات شیطانی هم هست (جلالی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱).

در انجیل نیز از انسان خواسته شده است که در دنیا قناعت پیشه کند و در فکر جمع‌آوری مال دنیا نباشد؛ چراکه فانی است: «آری، پرهیزگاری از برای کسی که به آنچه که دارد خرسند است، بسی سودآور است؛ چه ما چیزی به دنیا نیاورده‌ایم و نیز چیزی از آن نتوانیم برد. پس آن‌گاه که خوراک و پوشاک داریم، راضی باشیم» (رساله اول به تیموتوس، ۶:۸-۶). آگوستین در خصوص نحوه برخوردش با دنیای ناپایدار اظهار می‌دارد: «من به آنچه در این دنیا پیش‌رویم قرار دارم و یقیناً موقتی است چشم‌ندارم، بلکه متوجه هدف ابدی خویشم. مراد همین یک‌هدف است و اهداف دیگر مرا به خود مشغول نمی‌دارد و درحالی‌که این هدف را در مدنظر دارم و به شوق پاداش حق، که همان فراخوان آسمانی اوست، می‌کوشم» (آگوستین، ۱۳۷۹، ص ۳۹۳-۳۹۴).

۳. استلزامات تربیتی مربوط به ویژگی مزرعه

آخرت بودن دنیا در قرآن و انجیل

دنیا فرصتی است که انسان باید از آن استفاده کند و برای

آن در زندگی جاوید آشکار می‌شود. خداوند برای هر فرد شرایطی را فراهم کرده است که تا حد امکان در زندگی به تلاش و کوشش بپردازد و از استعدادهایی که خداوند در نهاد آنها به ودیعه گذاشته است، بیشترین استفاده را ببرد. خداوند این استعدادها را به انسان عطا کرده تا به او و خلق او خدمت کنیم. از این رو، همه باید به خاطر داشته باشند که ما در حال ساخت دنیای آخرت خود هستیم، پس مراقب باشیم که شالوده و مبنای ما مطمئن و محکم باشد و آن‌گاه، پس از اطمینان از مبنای کار، به طور جدی شروع به ساخت کنیم و خانه‌ای بسازیم که نه تنها در برابر طوفان و سوسه نلغزد، بلکه در مقابل سیل طاقت‌فرسای خشم خدا که همه چیز را در هم می‌شکند نیز مقاوم باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی انجام‌شده در این تحقیق، این نتیجه حاصل شده که قرآن و انجیل در زمینه ویژگی‌های دنیا دارای وجوه اشتراک زیادی می‌باشند. ویژگی‌های مشترک دنیا در قرآن و انجیل را که در این پژوهش بررسی شدند، می‌توان این‌گونه برشمرد: ۱. دنیا فریبنده است؛ ۲. دنیا ناپایدار است؛ ۳. دنیا مزرعه آخرت است. با توجه به ویژگی فریبنده‌ی دنیا، این نکته استنتاج شد که انسان باید حقیقت زیبایی‌های دنیا را بشناسد و از طریق خویش‌داری در مقابل جاذبه‌های آنها مقاومت کند. با توجه به ویژگی ناپایداری دنیا، این نکته تربیتی به دست آمد که انسان نباید دنیا را مقصود خود قرار دهد. همچنین با توجه به ویژگی مزرعه آخرت بودن دنیا، این نکته استنتاج شد که انسان باید در این دنیا فرصت را غنیمت شمرد و برای سرای آخرت توشه‌ای فراهم سازد.

قرض الحسنه بدهید (در راه خدا انفاق نمایید) و بدانید آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید آن را نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت؛ و از خدا آمرزش بطلبید که خداوند آمرزنده و مهربان است. و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره: ۱۱۰)؛ نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و هر کار خیری را برای خود از پیش می‌فرستید آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ زیرا خداوند به اعمال شما بیناست. بنا بر این آیات، انسان می‌تواند با انجام کارهایی همچون تلاوت قرآن، نماز، زکات و انفاق برای زندگی آخرت خود بهره‌ای فراهم کند.

در انجیل نیز از مردم خواسته شده که فرصت را غنیمت شمارند و به کارهایی بپردازند که برای آخرت آنها مفید باشد: «از نیکی کردن بازمانیم؛ به کسی ستم نکنیم، موسم درو به وقت خود فراخواهد رسید. پس بدین سان مادام که فرصت داریم، با همگان و به‌ویژه برادران ایمانی خویش نیکی کنیم» (رساله به گالاتیان، ۶: ۹-۱۰). حضرت عیسی نیز در این خصوص می‌فرماید: «اکنون حقیقتی را به شما می‌گویم، که هرچه در راه محبت و دوستی خدا بدهید و در این راه صرف‌نظر کنید، صد چندان در حیات و زندگانی جاودانی به شما برگردانده می‌شود» (انجیل برنابا، ۱۶: ۳۴). با توجه به این آیات، نیکی کردن، پیروی از دستورات خدا و زندگی کردن بر طبق آنها، از جمله کارهایی است که بهره و توشه زندگی اخروی را برای انسان فراهم می‌کند.

وایت (۱۹۴۳) معتقد است: زندگی یک امانت مقدس و یک فرصت مهم است، نباید به بیهودگی سپری شود و از هر لحظه آن باید عاقلانه بهره‌برداری کرد؛ چراکه نتیجه

دارالکتب الاسلامیه.
 موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۸، تفسیر سوره حمد، تهیه و
 تنظیم علی اصغر ربانی خلخالی قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 هاگس، جیمز، ۱۳۷۷، قاموس کتاب مقدس، تهران، اساطیر.
 Alavi, H. R., 2006, *Shared Religious Foundations of
 Education: Islam & Christianity*, Qum, Ansariyan.
 Browning, W.R.F., 2009, *Oxford Dictionary of the Bible*,
 Oxford, Oxford University Press.
 Macquarrie, J., J. Childress, 2001, *A New dictionary of
 christian ethics*, London, SCM Press.
 White, E. G., 1943, *Counsels to Parents, teacher, and
 Students Regarding Christian Education*, Pacific Press
 Publishing Association.
 Wright, C. J. H., 2010, "The World in the Bible", *Ert*, 34,3,
 p. 207-219.

منابع

آگوستین، قدیس، ۱۳۷۹، *اعترافات قدیس آگوستین*، ترجمه سایه
 میثمی، تهران، دفتر نشر فرهنگ سهروردی.
 اسلامی، سیدحسین، ۱۳۸۵، «حق به مرگی از دیدگاه مسیحیت و
 اسلام، فلسفه کلام و عرفان»، پژوهش‌های فلسفی، کلامی، ش
 ۲۹، ص ۵۲-۳۱.
انجیل برنابا، ۱۳۸۶، ترجمه و تحقیق گروه پژوهش و تحقیقات
 خاتم، مشهد، مؤسسه فرهنگی - انتشاراتی خاتم.
 باقری، خسرو، ۱۳۸۸، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران،
 مدرسه.
 برجی، یعقوبعلی، ۱۳۸۶، *دنیا و آخرت از دیدگاه قرآن*، تهران،
 آموزش کشاورزی
 بهشتی، احمد، ۱۳۸۹، «کرامت انسان از دیدگاه اسلام و مسیحیت»،
مکتب اسلام، سال پنجاه و یکم، ش ۲، ص ۹۵-۱۰۴.
 تقوی، سیدحسین، ۱۳۹۰، *آیین زندگی*، قم، نسیم ظهور.
 جعفری، محمدتقی، ۱۳۸۶، *قرآن نماد حیات معقول*، تهران،
 مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
 جلالی، عبدالحسین، ۱۳۸۲، *ماهیت دنیا*، تهران، امیرکبیر.
 جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۰، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
 خلیلی، مصطفی، ۱۳۷۸، «دین و دنیا در اندیشه امام خمینی»، نامه
مفید، ش ۲۰، ص ۱۸۷-۲۱۲.
 دلشادتهرانی، مصطفی، ۱۳۸۲، *سیری در تربیت اسلامی*، ویرایش
 دوم، تهران، دریا.
 زارعی محمودآبادی، محمدحسین، ۱۳۸۰، *رابطه ایمان و محبت
 در اسلام و مسیحیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشگاه
 قم.
 سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، ۱۳۸۹، *سرشت انسان در اسلام و
 مسیحیت*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
 علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۸، «بررسی تطبیقی تربیت دینی در
 اسلام و مسیحیت»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۲۱،
 ص ۸۴-۶۱.
عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۸۷، ترجمه پیروز
 سیار، تهران، نشر نی.
 قرشی، علی اکبر، ۱۳۰۷، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 مشکور، محمدجواد، ۱۳۶۸، *خلاصه ادیان*، تهران، شرق.
 مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، *تفسیر نمونه*، تهران،